

چهرهٔ استعمارگر ،

چهرهٔ استعمارزده

**Porteait du Colinise Precede de
Portrait du Colonisateur**

نوشته‌ی: آلبر مَمّی

ترجمه: هما ناطق

ویراستار: عصمت کلزار

www.ketab.ir



چهره استعمارگر، چهره استعمارزده

Portrait du Colonise Precede de Portrait du Colonisateur

نویسنده: آلبر مَمّی

ترجمه: هما ناطق

ویراستار: عصمت گلزار

ناشر: پریشان اندیش

چاپ اول: ۱۴۰۰

طراح صفحات: مهری افروز

طراح جلد و مدیریت چاپ: مهندس سپهر انصاری - ۰۹۱۲۵۲۷۰۹۶۹

تیراژ: ۱۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۹۴

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۶۴-۵۷-۸

ارزش: ۱۵۰۰۰ تومان

سرشناسه: ممی، آلبر
Memmi, Albert

عنوان و نام پدیدآور: چهره‌ی استعمارگر، چهره‌ی استعمارزده / نوشته‌ی آلبر ممی؛

ترجمه: هما ناطق؛ ویراستار: عصمت گلزار.

مشخصات نشر: تهران: پرنیان اندیش، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۹۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۶۴-۵۷-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: عنوان اصلی:

Portrait du colonisé, précédé du portrait du colonisateur;
et d'une préf. de Jean-Paul Sartre. Suivi de Les Canadiens
français sont-ils des colonisés

موضوع: مستعمره‌ها

Colonies موضوع

موضوع: اقوام بومی

Indigenous peoples موضوع

شناسه افزوده: ناطق، هما، ۱۳۱۳ - ۱۳۹۴. منشور

شناسه افزوده: گلزار، عصمت، ۱۳۶۱ -، ویراستار

رده بندی کنگره: J۷۵۱

رده بندی دیویی: ۳۲۱/۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۱۷۸۲۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا

مقدمه	۹
-------------	---

چهره استعمارگر

مفهوم مهاجرت به مستعمره ۱	۲۱
بومی ها و برگزیده ها	۲۶
غاصب	۲۸
خرده استعمارگر	۲۹
سایر فریب خوردگان استعمار	۳۳
از مستعمره تا استعمارگری	۳۷
استعمارگری که منکر خویش است ۲	۳۹
استعمارگر با حسن نیت	۳۹
و اشکالات این فرد	۴۰
سیاست، و استعمارگر با حسن نیت	۴۹
و پناه بردن او	۵۸
عدم امکانات او	۶۳
استعمارگری که نقش استعمارگر خود را می پذیرد ۳	۶۹
استعمارطلب	۶۹
زبونی و بی خاصیتی	۷۳
عقده قیصری	۷۶
و این دو چهره	۸۱
نفرت از خویشستن	۸۲
وطن پرست	۸۴
محافظه کار	۸۸
تمایل به فاشیسم	۹۰
کینه توزی نسبت به حکومت مرکزی	۹۱
طرد استعمارزده	۹۴

فقط «جنوبی» صلاحیت گفتگو از بردگی را دارد زیرا سیاه را می‌شناسد، مردمان منزله و انتزاعی شمال فقط انسان را می‌شناسند که یک مفهومی کلی دارد این استدلال خوش‌آیند هنوز هم به‌کار می‌رود: به‌ویژه در ایالت هوستون، در روزنامه‌های اورلئان جدید و بعد هم از آنجا که بالاخره هر کس نسبت به یک نفر دیگر احساس «شمالی‌گری» می‌کند، در الجزایر فرانسه! روزنامه‌های الجزایر یادآور می‌شوند که تنها «مستعمره چپی» حق دارد دربارهٔ مستعمره قضاوت کند و دیگران یعنی ما «مرکز نشینان» کم تجربه‌ایم: پس صحرای سوزان آفریقا را یا باید از دریچه چشم آنان بنگریم یا جز آتش نبینیم! من به کسانی که هنوز تحت تأثیر این نوع تهدیدها قرار دارند سفارش می‌کنم که «چهره استعمارگر و چهره استعمارزده» را بخوانند زیرا تجربه‌ای است ضد تجربه! این نویسندهٔ تونس قبلاً در کتاب «مجسمه نمکی» دوران تلخ جوانی خود را شرح داده است. خود او کیست؟ استعمارگر است یا استعمارزده؟ خواهد گفت نه اینم و نه آن! شما شاید بگوئید هم این است و هم آن! در هر حال یکی است. «ممی» خود جزو گروه‌های بومی ولی غیرمسلمان است: «با موقعیتی کم و بیش برتر از گروه استعمارزدگان... و برکنار... از گروه استعمارگران» با اینکه اینان او را از کوشیدن به منظور ادغام شدن در جامعهٔ اروپائی کاملاً ناامید نمی‌سازند. افراد این گروه که با طبقه کارگر بستگی حقیقی دارند و به خاطر امتیازهای ناچیز از آنان جدا

افتاده‌اند در عدم آسایش مدام بسر می‌برند. «ممی» این همبستگی و این جدائی دوجانبه را احساس کرده است: یعنی جبرانی که استعمارگران را در مقابل استعمارزدگان قرار می‌دهد و استعمارگرانی را که «منکر نقش خویشند» در برابر استعمارگرانی می‌نهد که «نقش خویش را می‌پذیرند». او این نکته را نیک درک کرده است و آن را به عنوان تضاد درون خویش احساس نموده. ممی در کتاب خود بخوبی بیان می‌کند که این آزارهای درون یعنی به دل گرفتن زد و خوردهای اجتماعی هرگز صورت مبارزه واقعی به خود نمی‌گیرد اما آنکه این رنج را می‌بود اگر نسبت به خویشتن آگاه باشد می‌تواند با سخن گفتن از خودبیمیه را آگاه سازد. این فرد مشکوک که «در روز درگیری نیروئی است بسی ناچیز» نماینده هیچکس نیست لیکن چون همه در او جمع‌اند راستگوترین شاهدها خواهد بود.

اما کتاب «ممی» بازگوئی یادبودها نیست و اگر ناشی از خاطرات است نویسنده آنها را تجربه کرده و اثر او تجربه‌ای شکل یافته است. در میان غضب و نژاددوستی استعمارگران و ملت آینده‌ای که به دست استعمارزدگان ساخته خواهد شد (و او را به گمان خویش در آن جای نخواهد بود) ممی می‌کوشید تا با ویژگی‌های گروه خود زندگی کند و از فراز این خصوصیت به عمومیت برسد، نه بدانسان که هنوز وجود ندارد لیکن به آن خردی رسد که برنده است و خود را بر همه چیز تحمیل کند این اثر ساده و روشن از شمار «ریاضیات شورانگیز» می‌باشد و واقعیت آرام آن نشانی از رنج و خشم گذشته است.